

کمال طلبی انسان در پرتو نظام خانواده

محمد ملائی ایولی *

محمدباقر محمدی لائینی **

محسن فهیم ***

چکیده

وجود انسان همچون وجود سایر موجودات، غایتمند است. غایت وجود انسان، بر نوع جهان شناختی و انسان شناختی انسان مبتنی است. براساس جهان بینی دینی، غایت انسان، وصول به حد کمال نهایی و همان مقام قرب به حق است. اما انسان دارای وجود دوساحتی جسمانی و روحانی، باید در همین عالم طبیعت، خود را رشد و تعالی دهد تا به کمال نهایی خود برسد. حال تأثیر خانواده در رسیدن انسان به کمال حقیقی چیست؟ هدف از این نوشتار بررسی نقش خانواده در وصول انسان به کمال خود است که به شیوه مروری و تحلیل مفاهیم کلیدی انجام گرفته است. یکی از عوامل تأثیرگذار در رشد انسان، خانواده است. با تأمل در فلسفه تشکیل خانواده و تأکید دین اسلام بر آن به عنوان کمالی برای انسان و عامل بازدارنده گناه و مسیر رشد و ترقی به سوی حق تعالی، می توان به نقش مؤثر خانواده در وصول انسان به غایت خود پی برد. خانواده هم بر مبنای تفکر دینی و هم توجه به اخلاقیات و تعلیم و تربیت اسلامی و همچنین با تحکیم پایه های اعتقادی به اصول دین و عمل به احکام شرعی می تواند باعث تکامل افراد خانواده شود.

واژه های کلیدی: کمال نهایی، انسان، خانواده.

* دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، گروه الهیات، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف

آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران m.mollai20@gmail.com

** استادیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مازندران.

*** استادیار فلسفه و کلام اسلامی، گروه الهیات، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد،

دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

پذیرش: ۹۶/۲/۲۰

دریافت: ۹۵/۹/۱۵

مقدمه

انسان موجودی غایتمند و کمال طلب است، کمال طلبی یکی از امیال فطری انسان است که می‌توان آن را منشأ بسیاری از امیال فطری دیگر همچون قدرت طلبی، حقیقت جویی و ... دانست. میل به کمال مخصوص انسان نیست بلکه شامل حیوانات نیز می‌شود، منتها انسان درجه خاصی از کمال را واجد است که در حیوان یافت نمی‌شود، تفاوت میان انسان و حیوان، در حوزه تشخیص مصداق کمال است. کمال دارای درجات و مراتب است و انسان باید برای وصول به کمال نهایی مراتب و مدارج مختلف را پیموده تا به سر منزل نهایی خود دست یابد. از سوی دیگر انسان مدنی بالطبع بوده و در اجتماع و بویژه در خانواده زندگی می‌کند و بالاتفاق فلاسفه و اندیشمندان و بویژه دین اسلام، به خاطر نقش مؤثر خانواده در اخلاق و معنویت انسان‌ها، آموزه‌هایی را ارائه دادند.

گرچه در باب غایت و کمال انسان و همچنین مباحث پیرامون خانواده بطور مجزا تحقیقاتی صورت گرفته است و کتاب‌های نگاشته شده است و برای وصول به کمال وسایل و راه‌های متعددی را برشمردند، اما کمتر توجهی به نقش خانواده در این امر مهم شده است.

مسئله اساسی این است که خانواده چه تأثیری در رسیدن انسان به هدف زندگی دارد؟ و در جستجوی این مسئله باید بدانیم که غایت وجودی انسان چیست؟ این مسئله خود بخاطر اختلاف جهان بینی‌ها و انسان‌شناسی‌های فلسفی، با نظرات متفاوت و گاه متضادی روبروست از این رو مبنای پاسخگویی به مسئله، بر اساس دیدگاه دینی است. همچنین اینکه آیا خانواده می‌تواند مانع وصول انسان به غایت و کمال نهایی شود؟

طبق جهان بینی الهی، غایت وجود انسان، نیل به کمال نهایی و مقام قرب به حق است و باید در این مسیر تلاش جدی نماید. و این هدف، از مسیر عالم طبیعت و همراه با اجتماع و بالاخص خانواده صورت می‌گیرد. اینجاست که خانواده نقش خود را در رشد و ارتقاء به سمت کمال به منصفه ظهور می‌رساند. چرا که اگر قالب فکری حاکم بر خانواده بر مبنای جهان بینی مادی و ماتریالیستی باشد چه بسا به دوری انسان از کمال نهایی و گاه هلاکت او منجر شود. ولی چنانکه خانواده طبق جهان بینی دینی بنا شده باشد، استعدادها و صفات و خصوصیات را کسب می‌کند که رو به سوی غایت و کمال نهایی دارد.

در این مقاله سعی شده است تبیین مفهوم کمال، و تشخیص مصادیق آن، نقش خانواده در ارضاء حس کمال طلبی انسان، با بهره مندی از آیات و روایات، مورد بررسی قرار گیرد.

۱. معناشناسی هدف و کمال‌نهایی

قبل از ورود به بحث بهتر است با اصطلاحات هدف، غایت و کمال آشنا شویم. هدف در لغت به معنای نقطه و نشانه‌ای است که تیر انداز در نظر می‌گیرد و تیر را به طرف آن پرتاب می‌کند و در محاورات عرفی به نتیجه کار اختیاری گفته می‌شود که عاقل مختار از آغاز در نظر دارد و کار را برای رسیدن به آن انجام می‌دهد، به طوری که اگر نتیجه کار منظور نباشد و این نتیجه از آن جهت که منتهی الیه است «غایت» و از آن جهت که از آغاز مورد نظر و قصد فاعل بوده «هدف و غرض» و از آن جهت که مطلوبیت آن موجب تعلق اراده فاعل به انجام کار شده «علت غایی» نامیده می‌شود (مصباح، ۱۳۸۶: ۳۹۸).

در مورد غایت‌مندی جهان به طور کلی دو نظریه وجود دارد که یکی نگاه مادی‌گرایانه است براساس این دیدگاه، جهان از ماده به وجود آمده و هیچ‌گونه عامل ماورای طبیعی در ایجاد آن دخالت ندارد و عالم طبیعت چون بر اساس فعل و انفعالات فیزیکی و شیمیایی پیدا شد، هرگز هدف و غایتی را به دنبال نخواهد داشت. زندگی محدود به این زندگی دنیوی است و با مرگ به پایان می‌رسد چنانکه قرآن به آن اشاره دارد: «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (و کافران گفتند که زندگی ما جز همین نشأه دنیا و مرگ و حیات طبیعت نیست و جز دهر و طبیعت کسی ما را نمی‌میراند. و این سخن نه از روی علم و دلیل بلکه از روی جهل و وهم و خیال می‌گویند) (جاثیه/۲۴). اما در مقابل این دیدگاه، رویکرد الهی مطرح است که بر پایه آن، جهان براساس حکمت الهی به سوی غرض و غایت خاصی در حرکت است. این دیدگاه تأکید دارد که همه مخلوقات دارای غایت هستند چه آن‌ها که اراده و آگاهی دارند و چه آن‌هایی که فاقد اراده و آگاهی‌اند. چنانکه آیه «و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینها لاعبین» (انبیاء/۱۶) به اصل هدف‌مندی آفرینش اشاره دارد، مبنی بر اینکه خلقت آسمان‌ها و زمین لغو، عبث و بیهوده نیست و آیه «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تَرْجَعُونَ» (مؤمنون/۱۱۵) که خطاب به انسان می‌فرماید: «آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید؟». دیدگاه نخست خلاف عقل بوده و با عقل و حکمت سازگار نیست. اما در مورد دیدگاه الهی، چه طرفدار این عقیده باشیم که همه مخلوقات، حتی موجودات فاقد اراده دارای غایت هستند و خواه فقط موجودات دارای اراده و آگاهی را غایت‌مند بدانیم، باید پذیریم که انسان در این دار هستی، دارای وجودی غایت‌مند و هدفدار است. غایت و هدف

چیزی است که در آفرینش برای انسان در نظر گرفته شده است و انسان می‌بایست در حد توان و امکانات خود، برای وصول به آن سعی و تلاش کند.

حال این سؤال مطرح است که هدف خلقت انسان چیست؟ اکثر فلاسفه و دانشمندان و علمای اخلاق و عرفان و همچنین ادیان الهی غایت انسان را رسیدن به کمال می‌دانند. کمال هر حرکت آزادانه و آگاهانه و سازنده است که در جهت فعلیت یافتن استعدادهای درونی و شکوفایی شخصیت و حیات آدمی صورت می‌گیرد (مصباح، ۱۳۸۶: ۳۶۷-۳۶۵). ابن‌سینا تفسیر غالب فلاسفه را بر مفهوم کمال این گونه بیان می‌کند که حصول چیزی برای امری که آن امر شأنیست واجد شدن آن را داشته باشد. کمال هر چیزی، رسیدن آن چیز به فعلیت و وضعیتی است که با آن شیء سازگار است (ابن‌سینا، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۴۰). و به نظر ملاصدرا، کمال هر چیزی عبارت است از آن چیز و زیاده‌ای از سنخ خود او. از این رو کمال انسان کامل، تنها با انسانیتی افزون بر انسانیت انسان ناقص محقق می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۴۶۲؛ خسروپناه، ۱۳۹۲: ۱۹۸-۱۹۶).

در این‌جا چند نکته حائز اهمیت است نخست اینکه کمال جویی و کمال‌طلبی، از امیال فطری اصیل در انسان است و شاید بتوان آن را بنیاد و اساس بسیاری از امیال فطری دیگر دانست. البته میل به کمال در حیوان و انسان مشترک است اما از لحاظ علم به آن میل و تشخیص مصداق کمال اختلاف دارند. برخی از صاحب‌نظران معتقدند اگر به فطرت رجوع کنیم، می‌یابیم که او عاشق کمال مطلق است، به طوری که اگر به همه حقایق کیهانی آگاه شود و احتمالاً وجود اکمل از آن‌ها در او منقذ گردد، آن را نیز آرزو می‌کند (شیروانی، ۱۳۷۶: ۸۲-۸۱). دوم اینکه شناخت کمال انسان به نوع نگاه و جهان بینی هر فردی بستگی دارد، چنانکه در نگاه غیر دینی و مادپرگرایانه، بسته به مکاتب مختلف لذت‌گرایی، قدرت‌گرایی، علم‌گرایی و انسان‌گرایی و ... لذت، قدرت، علم، توجه به فرد یا جامعه و سود و منفعت، به عنوان کمال انسان معرفی می‌شوند اما در نگاه دینی، کمال انسان جنبه روحانی و الهی پیدا می‌کند (نصری، ۱۳۸۲: ۳۶۷-۳۶۵).

سوم اینکه هر موجودی، دارای مراتبی از کمالات است که در سیر تکاملی خود، به تدریج آن مراحل و مراتب را پشت سر می‌نهد و از مرتبه‌ای فروتر به مرتبه‌ای بالاتر پیش می‌رود تا این‌که پس از این سیر استکمالی و صعود مدارج کمال، نهایتاً به مقام تکامل نهایی نائل و واصل می‌شود (خسرو پناه، ۱۳۹۲: ۱۹۸).

مقصود از کمال نهائی هر موجودی، نقطه‌ای است که کمال فراتر از آن برای آن موجود تصور نمی‌شود. بنابراین کمال حقیقی هر موجود، صفت یا اوصافی است که فعلیت اخیر آن موجود، اقتضای واجد شدن آن‌ها را دارد و امور دیگر، در حدی که برای رسیدن به کمال حقیقی‌اش مفید باشد، کمال مقدماتی و مقدمه‌الکمال خواهند بود (مصباح، ۱۳۸۰: ۳۶). به عبارتی دیگر کمال نهایی انسان، آخرین پله نردبان ترقی اوست که همه تلاش‌ها و اوج گرفتن‌ها برای رسیدن به آن است (رجبی، ۱۳۸۰: ۲۲۴). هرچند تنها افراد اندکی به آن مقام و مقصد عالی می‌رسند (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰ق، ج ۷: ۸۱).

۲. کمال نهایی انسان در قرآن و سنت

در مطلب قبلی، با مفاهیم کمال، کمال نهایی و گزاره‌های مربوط به آن‌ها آشنا شدیم و دانستیم که هر موجودی از جمله انسان در مسیر کمال نهایی در حرکتند. حال این سؤال به ذهن خطور می‌کند که مصداق کمال نهایی چیست؟ آیا به عدد انسان‌ها کمال نهایی وجود دارد تا آن را امری نسبی بدانیم یا اینکه کمال نهایی واحد و مطلق است؟ همانطور که اشاره شد مصداق کمال نهایی، بر مبنای جهان‌شناختی و انسان‌شناختی فلسفی مبتنی است، لذا با توجه به تفاوت دیدگاه‌ها در باب جهان‌بینی و انسان‌شناسی، نظرات متفاوت و گاه متضادی در باب کمال نهایی ارائه شده است. به نظر برخی، انسان همواره در جستجوی لذت و پرهیز از درد است، لذا سعادت و کمال نهایی انسان را بهره‌گیری هر چه بیشتر از حس خودخواهی دانسته‌اند. برخی همچون بنتام و جان استوارت میل، خیر اجتماعی و نفع عمومی را مورد هدف قرار داده‌اند و مکتب عاطفه‌گرایی با اصالت دادن به انسان و طرفداری از ارزش‌های والای انسانی دستیابی به سعادت و کمال را میسر دانسته‌اند. عده‌ای هم علم و دانش را هدف‌اعلای حیات آدمی قرار داده‌اند، برخی همچون نیچه، قدرت را کمال و سعادت دانسته، و یا اگزیستانسیالیست‌ها بر اراده و آزادی کامل انسان به عنوان سعادت برتر تأکید دارند، شوپنهاور، ادیان هندویی، بودایی و چینی در شرق و مکاتب کلبی و رواقی در غرب، کمال انسان را در ترک دنیا و دنیا‌گریزی می‌دانند. (نصری، ۱۳۸۲: ۳۶۲-۳۵۳؛ گرامی، ۱۳۸۶: ۱۴۶-۱۴۲)

بنابراین بر اساس جهان‌بینی غیر دینی، کمال، امری نسبی است و معیار و ملاک خاصی ندارد و هر مکتبی طبق مبنای فکری و فلسفی خود، چیزی را به عنوان مصداق کمال در نظر می‌گیرد و توجهی به آخرت ندارد.

حال کمال از منظر جهان بینی دینی چگونه است. با نظر به آیات و روایات می بینیم که اهداف مختلفی را بیان کردند. قرآن گاه عبادت را به عنوان هدف آفرینش معرفی کرده است: «و ما خلقت الجن و الإنس الّا ليعبدون» (ذاریات/۵۶)، گاه رحمت (هود/۱۱۹-۱۱۸)، گاه آزمایش الهی (هود/۷؛ کهف/۷؛ ملک/۲) و در روایات هم معرفت به خداوند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۴: ۱۹۸) و در جایی دیگر وجود مبارک حضرت رسول (ص) (کلینی، ۱۹۹۲، ج ۹: ۶۲؛ اقتباس از نصری، ۱۳۸۲: ۳۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰۶) هدف از خلقت جهان معرفی شده‌اند. با نظر به این اهداف، ذهن کنجکاو دنبال هدف نهایی می‌گردد که واحد باشد نه متعدد، بنابراین هر یک از این اهداف یا باید هدف و کمال مقدمه‌ای باشند و یا ابزار و وسایل نیل به کمال نهایی هستند. پس مواردی که برشمردیم کمال نهایی نیستند ولی انسان را به سوی آن غایت سوق می‌دهند. بنابراین باید بنگریم این اهداف رو به چه سمتی می‌روند و به کجا ختم می‌شوند. نقطه نهایی این اهداف قرب الهی است و قرآن با واژه‌هایی چون «عند ربهم»، «عند ملیک مقتدر» (قمر/۵۴ و ۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۴۵-۴۴؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۳۶۹) و «و إن الی ربک المنتهی» (نجم/۴۲) و عرفاً با عبارت «فناء فی الله» از آن یاد می‌کنند. (انصاری، ۱۳۸۶: ۴۴) پس این مرتبه از کمال، همان کمال نهایی است که بالاتر از آن دیگر کمال و مرتبه‌ای نیست و انسانی که به آن مقام رسید عنوان انسان کامل را اخذ می‌کند. با عنایت به این رویکرد و جهان بینی، کمال امری مطلق و واحد است و به صورت فطری در همه انسان‌ها وجود دارد. راه رسیدن به این مرتبه کمال، عبودیت و بندگی حضرت حق است: «و ما خلقت الجن و الإنس الّا ليعبدون» (ذاریات/۵۶).

۳. خانواده و نقش آن در وصول به کمال نهایی

مراد از خانواده، والدین و اولاد با واسطه یا بی‌واسطه است که از آن به خانواده هسته‌ای هم تعبیر می‌شود و جامعه شناسان در تعریف خانواده هسته‌ای، معمولاً قید «زن و شوهر» را درج می‌کنند که به معنای وجود یک مرد و یک زن و تحقق ازدواج میان آن‌ها است (بستانی، ۱۳۹۳: ۵۶).

زندگی خانوادگی، مقتدای سرشت و طبیعت انسان‌ها است؛ استاد مطهری می‌نویسد: حتی اگر در مدنی الطبع بودن انسان تردید کنیم ولی در طبیعی بودن زندگی منزلی و خانوادگی او نمی‌توان تردید کرد (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۸۸). علامه طباطبایی نیز تصریح دارند که برخلاف باورهای نادرست پدروسالارانه که ازدواج و تشکیل خانواده را متضمن نوعی مالکیت مرد و زن معرفی می‌کردند و برخلاف نگرش حاکم بر جوامع غربی معاصر که ماهیت زندگی خانوادگی را

صرفاً شرکت سرمایه‌های انسانی و نوعی مالکیت و تصاحب طرفینی می‌داند که دارای جنبه قراردادی است، ماهیت زندگی خانوادگی، یگانگی و وحدتی (طبیعی) است میان زن و مرد که در شکل تجاذب و قطب مثبت و منفی پدید می‌آید (طباطبایی، بی تا، ج ۲: ۲۷۸-۲۷۷).

خانواده اولین نهاد اجتماعی است که مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی، روانی و معنوی بشر بوده است و در رشد و تعادل و شکوفایی افراد جامعه نقش بسزایی دارد، از این رو، نه تنها ادیان الهی، که فلاسفه و صاحب نظران علوم انسانی نیز به نقش مهم خانواده، در اخلاق و معنویت انسان‌ها، اشاره نموده و آموزه‌های مهمی ارائه کرده‌اند. (سالاری‌فر، ۱۳۹۳: ۵).

در مورد رابطه خانواده با کمال انسان از چند حیث می‌توان بحث کرد: یکی از جهت نفس تشکیل خانواده و ازدواج که خود کمالی را برای انسان به ارمغان می‌آورد، چنان‌که با نظر به آیات و روایات نیز مورد تأیید است از قبیل: «محبوب‌ترین و عزیزترین نهاد بشری نزد خداوند، ازدواج است» (حر عاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۴: ۳)، «نیمی از دین فرد با ازدواج حفظ می‌شود: «من تزوج أحرز نصف دینه» (کلینی، ۱۹۹۲م، ج ۵: ۳۲۹)، «بیشتر اهل جهنم کسانی هستند که ازدواج نکرده‌اند» (حرعاملی، ۱۹۹۱م، ج ۱۴: ۸) و دو رکعت نمازی که شخص متأهل می‌خواند افضل و بهتر است از هفتاد رکعتی که نمازگزار مجرد و بدون همسر به‌جا می‌آورد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۳۸۴).

در آیه ۱۸۷ سوره بقره آمده «زن، لباس همسران و شما لباس آن‌ها هستید»، همانطور که لباس موجب پوشش عیوب ظاهری بدن و یا حفظ از سرما و گرما و احساس آرامش و یا کمال است، همسران نیز یکدیگر را از فساد و تباهی و انحراف جنسی حفظ می‌کنند و در کنار هم به آرامش و کمال می‌رسند.

بنابراین با ازدواج و تشکیل خانواده، انسان یک قدم به سمت کمال برداشته است و از برخی انحراف‌ها دوری گزیده است، چرا که بر اثر ازدواج و اشباع تمایلات جنسی خود از راه صحیح، زمینه هدایت خود را بیشتر فراهم می‌کند.

جهت دیگری که در خصوص رابطه میان خانواده و کمال انسانی می‌توان مدنظر قرار داد آن کمالاتی است که در پرتو خانواده برای فرد حاصل می‌شود. این حیث همان چیزی است که بسته به نوع نگاه و جهان‌بینی افراد خانواده ممکن است موجب رشد و کمال و یا مانع آن شود.

در خانواده‌هایی که جهان‌بینی غیر دینی و مادی‌گرایانه حاکم است زندگی را محدود به همین زندگی دنیوی می‌دانند و کمال انسان را نهایتاً در لذت‌های دنیوی و رشد اقتصادی و جایگاه اجتماعی و دیگر امور دنیوی جستجو می‌کنند. از این روست که قرآن مؤمنین را از ازدواج با مشرکین منع می‌کند: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ... وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ

حَتَّيْمُونًا؛ و با زنان مشرک و بت پرست، تا ایمان نیاورده اند ازدواج نکنید... و زنان خود را به ازدواج مردان بت پرست، تا ایمان نیاورده اند درنیاورید» (بقره/۲۲۱)

اما در خانواده‌ای که جهان بینی و انسان شناسی دینی حکمفرماست اعضای خانواده با کسب صفات و فضایی همچون صبر، گذشت، فداکاری، ایثار و... به سمت کمال گام بر می‌دارند. جهان بینی دینی، هدف زندگی را رسیدن به کمال نهایی می‌داند و لذا زندگی خانوادگی روی به جانب آن غایت دارد و اموری را سرلوحه فعالیت‌هایش قرار می‌دهد که به کمال نهایی انسان منتهی می‌شود. در چنین دیدگاهی اعضای خانواده سعی می‌کنند وظیفه‌شناس باشند، حقوق یکدیگر را رعایت کنند، در کارهای خیر همکاری داشته باشند، در حل مشکلات یکدیگر بشتابند، نسبت به همدیگر مهربان و خیرخواه باشند و سعادت خود را در سعادت سایر اعضا ببینند و همدیگر را به تقوا و عمل صالح و انجام تکالیف الهی و توجه به سمت حضرت حق سوق دهند: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان/۱۷) و در این صورت نقش مهمی را در رسیدن به کمال و قرب الهی خواهند داشت.

در تعالیم اسلامی به افراد توصیه می‌شود پیش از اقدام به ازدواج، در گزینش همسر و انجام مراسم در مراحل بعدی، با نماز و دعا و توکل به خدا رفتارهای خود را همراه کنند، به این جهت است که ازدواج را با معنویت همراه کنند و به آن تقدس بخشند تا زمینه تکامل و رشد انسانی را فراهم آورند (سالاری فر، ۱۳۹۳: ۱۹).

جهت دیگری که می‌تواند مورد ملاحظه قرار گیرد بعد اخلاقی و تربیتی خانواده است. خانواده‌ای که به مسائل اخلاقی توجه داشته و در جهت تعلیم و تربیت همدیگر و فرزندان قدم بردارند، گامی در مسیر کمال نهاده اند. خداوند در آیه ۶ سوره تحریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»

در تفسیر این آیه آمده است: نگه داری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگه داری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد، و در تمام مراحل با برنامه ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۲۲۷-۲۲۶).

در تفسیر آیه «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُلًا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ» (اعراف/۵۸) به خانواده و نقش تربیتی آن اشاره شده و آمده است: کلمه «نکدا»، به معنای چیزی است که در آن خیری نباشد، «نبات نکد»، به معنای گیاه کم و بی فایده می باشد. اگر با دید وسیع به این آیه بنگریم، شاید بتوان یکی از مصادیق سرزمین پاک را که محصول پاک می دهد، خانواده پاک بدانیم (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۸۶). همچنین علامه طباطبائی در تفسیر این آیه، آورده است: این آیه صرف نظر از انضمامش به آیه قبلی، به منزله مثال عامی است که می رساند که اعمال حسنه و آثار ارزنده از گوهر پاک سرچشمه می گیرد، و خلاف آنها از خلاف آن (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۰۰)

همچنین اعتقاد به اصول دین و پایبندی به آنها از سوی اعضای خانواده تاثیر بسزائی در مسیر تکامل تک تک اعضا خواهد داشت. با اعتقاد به خدا در بین اعضا خانواده، همه رفتارها و زندگی خانوادگی به سوی کسب رضایت حق، سوق می‌یابد. امیرالمؤمنین علی(ع) در سفارشی به حسنین(ع) این گونه می فرماید: «شما را به ترس از خدا سفارش می کنم، به دنیاپرستی روی نیاورید، حق را بگویید و برای پاداش الهی عمل کنید. شما را و تمام فرزندان و خاندانم را و کسانی را که این وصیت به آنها می‌رسد، به ترس از خدا، و نظم در امور زندگی، و ایجاد صلح و آشتی در میانتان سفارش می‌کنم» (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

از آنجا که افراد برای یادگیری شیوه رفتار و برخورد مناسب در خانواده، به نمونه‌های عینی رفتاری در همه ابعاد زندگی نیازمند هستند، خواه ناخواه به سوی الگوهای کشیده می‌شوند: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ» (آل عمران/ ۲۸)؛ مطابق این آیه یک فرد یا خانواده مؤمن باید از میان مؤمنین دوست انتخاب کند و آگو پذیرد. بهترین الگوهای عینی در میان امت اسلامی، پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصوم(ع) هستند که ذیل بحث اعتقاد به نبوت و امامت می‌گنجند.

همچنین اعتقاد به معاد و زندگی پس از مرگ، اعضای خانواده را متوجه اهداف پایدار می‌کند و از احساس پوچی و بی‌هدفی و سرانجام از جدایی و مشکلات زندگی و اضطراب‌ها و نگرانی‌ها ممانعت می‌کند (سالاری فر، ۱۳۹۳: ۱۱۴) و خصایصی را برای فرد به ارمغان می‌آورد همچون صبر، سخاوت، گذشت، قناعت، خوش بینی، صداقت و ... که همگی در جهت رشد و کمال انسان بسیار موثرند.

بنابراین ازدواج و تشکیل خانواده نه تنها خود کمالی برای انسان به شمار می‌آید و آثاری همچون سکون و آرامش، تکمیل نصف دین و ... را در پی دارد، همچنین در رشد اخلاق حسنه و تحکیم باورهای دینی و اعتقادات و نگاه خداپاوارانه و بطور کلی رشد و تکامل انسان نیز نقش مؤثری دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف نهایی خلقت انسان، رسیدن به مرتبه کمال نهایی و قرب به حق است و خانواده یکی از عواملی است که انسان را به آن غایت رهنمون می‌سازد. تشکیل خانواده، هم خود بذاته یک کمال برای انسان محسوب می‌شود و آثاری همچون سکون و آرامش، تکمیل نصف دین و ... را در پی دارد و هم خانواده‌ای که بر مبنای تفکر دینی گام بر می‌دارد، اعضای آن با هدف آفرینش آشنا شده و درصدد نیل به آن هدف هستند، همچنین توجه به اخلاق و تربیت درست در بین اعضای خانواده موجب رشد و ارتقاء افراد خواهد شد. و نیز اعتقاد به اصول دین و پایبندی به آنها از سوی اعضای خانواده نیز تاثیر بسزائی در مسیر تکامل تک تک اعضا خواهد داشت. بنابراین خانواده در کنار سایر عوامل رشد و تکامل، نقش بسزائی در ارتقاء و تعالی کمال انسان بر عهده دارد.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، (۴۱۳ق)، من لایحضر الفقیه، دارالاضواء، بیروت، جلد سوم.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۶۹)، شرح الاشارات و التنبیهات، نشر البلاغه، قم، جلد سوم.
۵. انصاری، عبدا...، (۱۳۸۶)، منازل السائرین الی الحق عز شأنه، شرکت مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده، بی تا
۶. بستان (نجفی)، حسین، (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ سوم.
۷. حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۹۹۱م)، وسایل الشیعه، محقق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، جلد ۱۴.
۸. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۲)، انسان شناسی اسلامی، معارف، قم.
۹. رجبی، محمود، (۱۳۸۰)، انسان شناسی، مؤسسه امام خمینی(ره)، قم.
۱۰. سالاری فر، محمدرضا، (۱۳۹۳)، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
۱۱. شیروانی، علی، (۱۳۷۶)، سرشت انسان: پژوهشی در خداشناسی فطری، معارف، قم.
۱۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۴۱۰ق)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الربعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، جلد هفتم.
۱۳. _____، (۱۴۱۹ق)، مفاتیح الغیب (مع تعقیبات للمولی علی النوری)، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، جلد دوم.

۱۴. طباطبایی، محمدحسین، (بی تا)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، جلد دوم.
۱۵. طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸)، *الطیب البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات اسلامی، تهران، جلد شانزدهم، چاپ دوم
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۹۹۲م)، *الکافی*، دارالاضواء، بیروت، جلد‌های پنجم و نهم.
۱۷. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ یازدهم
۱۸. گرامی، غلامحسین، (۱۳۸۶)، *انسان در اسلام*، معارف، قم
۱۹. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار لدرر اخبار الائمه الاطهار*، دار احیاء التراث، بیروت
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۰)، *به سوی خودسازی*، نگارش: کریم سبحانی، مؤسسه امام خمینی (ره)، قم.
۲۱. _____ (۱۳۸۶)، *آموزش فلسفه*، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران، چاپ هفتم.
۲۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، *نظام حقوق زن در اسلام*، صدرا، تهران.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از فضلا، (۱۳۸۶)، *برگزیده تفسیر نمونه*، تنظیم احمد بابایی، دارالکتب اسلامی، تهران، جلد پنجم
۲۴. نصری، عبدالله، (۱۳۸۲)، *فلسفه آفرینش*، معارف، قم.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی